

ان کا ترجمہ میر حسین شاہ نے کیا ہے۔
 (۱) *The life and times of Sultan Mahmud of Ghazna* (Cambridge, 1931) (38-45)
 (۲) *ترجمہ میر حسین شاہ*

سنین ترکی منگولی بین غزنویہای پیشین

By: C. E. Bosworth (St. Andrews)

درودہ سال اخیر قرن دہم میلادی، امپراتوری سامانی درہ اور اہالنہر و خراسان
 بہ سبب مداخلہ قرہ خانی ہا از سمت های حوضہ سیر دریا و شورش جنرال های
 خراسان ضعیف شدہ بود۔ امیر نوح بن منصور (۲۶۶ - ۳۸۷) در ۳۸۴
 مجبور گردید سبکتگین نایب الحکومت غزنوی را جہت مقابلہ با شو رش ابو علی
 سیمجور و فایق خاصہ احضار کند؛ و چون سبکتگین در مقابل ایشان موفق گردید
 بہ پاداش، نیابت حکومت بلخ، طخارستان، بامیان، غور، غرجستان باو سپردند
 در حالی کہ پسرش محمود عرض او علی سیمجور فر مانده سپاہ سامانی در خراسان
 مقرر گردید (۱)۔

سبکتگین در ۴۸۷ / ۹۹۷ در گذشت و ایالات غزنہ و بلخ را بہ پسر جوانش
 اسماعیل گذاشت۔
 سبکتگین شش پسر داشت از آن جملہ مادر دوفتر آنها کہ عبارت از محمود
 و نصر باشد با مادر اسماعیل یکی نبود پسر چہارم - یوسف - هنگام وفات پدر ،
 صغیر بود ۔ محمود او را با پسر ن خودش تربیہ کرد ۔ از جملہ او و پسر دیگر کہ
 جوزجانی نام آنها را ذکر کردہ است تنها حسن و حسین شناختہ شدہ و با احتمال قوی

(۱) جریان وقایع داد در ترکستان بار تولد GMS (لندن ۱۹۲۸) ۲۶۶ - ۲۶۱
 و محمد ناظم در زندگی و دورہ سلطنت محمود
 The life and times of Sultan Mahmud of Ghazna (Cambridge, 1931) (38-45)

این دو پسر در طفلی از دنیا رفته اند (۱) . باین ترتیب اسماعیل کوچکترین پسر بالغ سبکتگین است . تا جایکه از آرزوهای آخر سبکتگین معلوم می شود او نمیخواست خانواده مستقلاً تشکیل دهد با وجود آنکه میدید خانواده سامانی روبه ضعف میرود . اراضی تحت اداره خود را طور میراث به پسرانش نگذاشت ، بلکه نیابت حکومت هر یکی از آنها را با اعضای مختلف خانواده اش سپرد . برادرش بغرا چوق در هرات و پوشنج ماد . از پسرانش محمود فرماندهی قوای خراسان را بدست گرفت . نصر در بست فرمان میداد و اسماعیل حکومت غزنه و بلخ را بر عهده داشت (۲) . اینکه سبکتگین اسماعیل را در غزنی گذاشت شاید میخواهست وی به سلطنت برسد زیرا او پسر دختر ارباب سابقش البتگین است که به حبالة نکاح او در آمده بود و شاید میباید بود نواده البتگین بعد از او به سلطنت برسد .

معذک ترجیح اسماعیل بر مرد مجری چون محمود مؤرخین اسلامی تاریخ غزنه را دچار تعجب ساخته است . محمود توانست اسماعیل را شکست دهد و فرماندهی معارض قلمرو غزنی باشد . به همین ترتیب محمود در روزهای آخر زندگی ، پسرش محمد نایب الحکومه جوزجان را برای جانشینی تعیین نمود و این کار برای آن بود که برادر او محمود نتواند به سلطنت برسد . مناسبتاً در دست معلوم نیست کدام یک از این دو پسر بزرگتر بودند و آیا هر دوی آنها از یک مادر اند یا از مادرهای جدا . معذک فضل و دانسته محمد معاصرینش را تحت تأثیر قرارداد عقبی معلومات ادبی او را تعریف می کند و میگوید در حقیقت شهزاده محمودی را تشویق نموده است عربی را زبان تاریخ -

(۱) جوزجانی ، طبقات ناصری ، ترجمه دا ورتی (لندن ۱۸۸۱ - ۱۸۸۹)
 ۷۵ ، محمد بن علی شبا نکاره بی ، مجمع الا نساب فی التواریخ استانبول ، نسخه
 Yan Camn ۹۰۹ ، ۱۷۰ ب

(۲) عتبی ، التاریخ الیمینی (لاهور ، ۱۳۰۰ - ۱۸۸۳) ، ۱۱۰ ، جر باذقانی
 ترجمه تاریخ یمینی ، چاپ علی قویم (تهران ، ۱۳۳۴ - ۱۹۵۵) ؛ ابن بسابا
 الفاشانی ، کتاب راس مال التدمیم ، استانبول نسخه خطی عربی تهران و لیبیدی
 ۲۳۴ ، ۲۰۴ ب

یمینی قرار دهد. مسعود مرد نظامی و عمل بود و در اکثر جنگها با پدش شریک
 میگردد. یکی از خبر رسانهای بیهقی مثلاً شجاعت جوان شبرد ل را در غور در
 ۴۰۵ / ۱۰۱۴-۱۵ وقتی يك تیر او فرمانده حصار را که مشغول دفاع آن بود
 و مسلمانان را اذیت میکرد، از پای در آورد تعریف می نماید. پس از قتل این شخص
 لشکر غور جرأت خود را باختند و تسلیم شدند (۱).

محمود او را نایب الحکومه مرات و ولیعهد خوبش ساخت اما در اواخر زندگی
 سلطان، روابط او با پسرش خراب شد و جانشینی را به محمد انتقال دادند
 و چون محمود در (۴۲۱) در گذشت محمد در غزنی بجای او نشست، در حالیکه مسعود
 در دورترین نقاط غرب امپراتوری در جبال ماند.

قدرت نظامی محمود در اواخر زندگی او ضعیف شده بود معذک جای شبهه نیست
 که سلطان میخواست محمد در اراضی مرکزی امپراتوری غزنی، خراسان و هند
 جانشین او باشد بنظر معاصرین او این کار عجیب می آمد زیرا مسعود واقعاً از نظر
 سیاسی و نظامی لایقتر از محمد بود. بر روایت جوز جانی خواجه بزرگ ابونصر
 مشکان اظهار تعجب کرد، اما سلطان باو خاطر نشان ساخت، میدانم که مسعود از هر
 لحاظ بر محمد مزینتر است و سلطنت بعد از من بدست مسعود می آید ولی من مراسم را
 بر پامی کنم تا این پسر بیچاره در زمان حیات من به جاه و جلالی برسد، میدانم بعد از من
 این جاه برای او نخواهد ماند.

محمود احساساتی نبود و این توضیح ضعیف است و نمی تواند قانع کننده باشد. تصمیم
 سبکتگین و محمود در اینکه اراضی مرکزی امپراتوری خود را که با اثر مجاهدات
 نظامی بدست آمده است، باشخاص ضعیفی بگذارند نمی تواند به آسانی توضیح شود.

۴

گمان می کنم علت اینرا می توانیم در عادات قدیمی تر کها بیابیم، غزنیها نیز در
 خراسانی شدند. و بعیث پادشاه نیز به عادات اسلامی خراسانی خود را عادت دادند

(۱) بیهقی، تاریخ مسعودی - چاپ غنی و فیاض (تهران ۱۳۲۴ - ۱۹۴۵) ۱۱۴.

علاوه بر این آثار مکتوب تاریخ غزنوی هاهمه عربی و فارسی و اسلامی است. و در قسمت تاریخ قدیمی غزنوی و قتی ایغان در میدانهای ترکستان ژندگی می نمودند خاموش می باشد. یا وجود این، این سنت قدیمی آنها را نمی توانیم نادیده بگیریم. سلطان های قدیمی همه با عسا کر و در باریان تر کی خویش، قر کی صحبت میکردند. به قول خودش در پندنامه، سبکتگین اصلاً از مناطق برسخان علیا (یا به املائی کا شغری در کلسلی رفعت بی ۳۰: ۳۰۸ برسخان) سواحل اسک کول آمده حد. دالعالم (۹۸) آنرا در کشور خلیج می گذارد پس احتمال دارد که سبکتگین خودش یکی از قزلقها بوده باشد.

در مراسم این جاها ممکن است بتوانیم علت نصیت جا نشینی محمود و سبکتگین را پیدا کنیم. در قوانین قدیم منگولی قسمت بزرگ میراث پدر را به پسر کوچک میدادند، پسر کوچک وارث اجاق Otchigin (دیر آتش) بود و پسر بزرگ در زمین حیات پدر کار غرامت گیری را بر عهده میگرفت. نمونه کلاسیک این کار را وقتی در قرن سیزده منصرفات چنگیز خان بین پسرانش تقسیم کردیم پسر کوچک تولی وارث اجاق شد و اراضی قدیم خانوادگی در وادیهای Kerulen Onon در مغولستان بدست او افتاد، در حالیکه جویش، چغتای او اگیدی در مناطق مفتوحه دوره دست نیابت حکومت یافتند (۱).

این رسم را می توانیم در حیات تر کی نیز بیابیم Kotwics میگوید:

(۱) B. Vladimirtsov، در Le regime Social des Mongols

ترجمه فرانسوی (پاریس ۱۹۴۸) ۶۰ و ۶۱، ۷۲ و بار تولد Histoire de Turcs d'

Le Empire des Steppes (Paris 1945) 129 آسیه مرکزی گروسی

(پاریس ۱۹۵۲) ۳۱۶ - ۳۱۹ در بیلو کجرافی کتاب تازه تو مان

The Mongols of Afghanistan (The Hague 1961) ص ۴۱۳

مقاله بقلم T. Aoki تحت عنوان Ultimogaiture in Ancient Mongolia

دیدم شود. من این مقاله را نتوانستم ببینم شومان علایم این رسم را بین هراده ها نیز دیده ولی این مراسم بعد از مهاجرت مغول ها با این مناطق پس از قرن سیزده آمده

باشد. ۷۷۰۳۳۱۰۲۷

نام تر کی - Kültigin در کنیه های اورخان آمده نام شخصی نیست بلکه لقب می باشد وی آریابا Kü (خاکستر) مربوط می سازد. و معنی کامل آن را امیر خاکستر می نویسند، مساوی به محافظ اجاق در خانواده ققن، پسر کوچک، عنصر اولی زاد لقب قبیلوی تر کی Külar kin کیولر کن های اغز که ابن فضلان بایشان ملاقات نمود (۱).

دکتر بویلی Dr. J. A. Boyle مراملت ساخت (۱۱-۷-۶۱) باینکه عثمان بن ابراهیم آخرین پادشاه قره خانی (وفات ۶۰۹-۱۲۱۲-۱۳) برادر داشت (شاید برادر کوچک بوده) موسوم به Ogin Ot-tigin این باد آوری ف کر نامی از ترجمه تاریخ جهانکشی جوینی د فیشرا ۱۹۵۸: ۲: ۴۹۵ صورت گرفت و اتحادیه قره خانی اصلاً از قبیلۀ فرلق قبیله می که محمود از آن برخاست نشأه کرد. دکتر بویلی اظهار نظر میکند اینکه اوت-تگین خودش کلمه تر کی است دلالت می کند باینکه این رسم نیز باید تر کی باشد، واقعاً انتقال میراث به پسر کوچک نزد مردمان آسیای مرکزی چیز تازه می بود در آن جا مردم گمان میکردند پسر و این باید بر لیاقت شخصی مبنی باشد نه اینکه آنرا حق وراثت قرار دهد و باید تمام اولاد موقعی برای موفقیت داشته باشند، ممکن است خاطرۀ عرف میدانهای تر کستان به ذهن محمود و سبک نگین مانده باشد. اگر چه ما خدما اشاره مستقیم باین مطلب نداریم.

- Contributions a l'Histoire de Asie Centrale ii - W. kotwics (1)
 le Signification du titre Kultagin iii Titre arkin et tagin Rocznik -
 Orientalistyczny xv 1939 - 49 - 185-90
 عنصر küل امرای قره خانی بخارا نیز آمده، قادرخان جرنیل کولرتگین ۴۹۶-
 ۴۹۵-۱۰۹۹-۱۱۰۲ رجوع کنید به ترشخی تاریخ بخارا چاپ رضوی تهران ۱۹۳۹
 The History of Bukhara Cambridge Moss, Frye ترجمه
 و نیز رجوع کنید به ۲۵۹، ۱۴۶، ۷۲ (1954) 14-15, 114-66